



# فقه نظام ساز

فصلنامه علمی - پژوهشی  
سال دوم؛ شماره هشتم؛ زمستان ۱۴۰۲

## بررسی سیر تطوّر فقه القضا در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم در سده‌ی اخیر

مرتضی فیاض<sup>۱</sup>

### چکیده

اقامه‌ی عدل یکی از اهداف بلندی است که در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. این مهم در فرض دادخواهی از طریق قضاوت‌های عادلانه محقق می‌شود. از این رو، مباحث قضا و شرایط قضاوت عادلانه و احکام آن جایگاه ارزشمندی در متون فقهی داشته و در طول تاریخ فقه امامیه مباحث مختلفی پیرامون آن در لابه‌لای ابواب فقهی مطرح شده است. سؤال اصلی این مقاله آن است که در حوزه‌ی علمیّه به‌ویژه سده‌ی اخیر، سیر تطوّر فقه القضا چگونه بوده است؟ محقق تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی پاسخی برای سؤال فوق پیدا نماید. از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهشی این مقاله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تتبع در متون و منابع فقهی در این رابطه حاکی از آن است که فقه القضا تا قبل از سده‌ی اخیر هرچند به‌صورت تک‌نگاری‌هایی ذیل عنوان «فقه القضا»، «کتاب القضا و الشّهادة» و... مطرح بوده، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به گستردگی و طرح مسائل جدید به لحاظ کمی و کیفی دوران بلوغ خود را سپری نموده و در دهه‌ی اخیر به‌صورت یک رشته‌ی تخصصی و از قبیل «فقه مضاف» مورد توجه اندیشمندان، مراکز فقهی و حوزه قرار گرفته است.

۲. امروزه در مراکز تخصصی فقه القضا طلاب مختلفی به تحقیق و پژوهش و آموزش مشغول هستند.

۳. امروزه مسائل و موضوعات مطرح‌شده منحصر به کتاب القضا نبوده؛ بلکه موضوعات و چالش‌های علمی مربوط به قوه‌ی قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت نیز در کانون تلاش‌های علمی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** قضا، فقه مضاف، قوه‌ی قضائیه.

۱. مدرّس سطوح عالی حوزه‌ی علمیّه قم، پژوهشگر فقه القضا

\* این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه‌ی علمیّه قم و دستاوردها و نکو داشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) تالیف شده است.



## مفهوم‌شناسی

در ادامه به تبیین مفهومی سه واژه‌ی پرکاربرد «قضا، فقه مضاف و قوه‌ی قضائیه» می‌پردازیم:

### ۱. قضا

قضا از نظر لغوی در معانی مختلفی به کار رفته است تا بدین حد که صاحب جواهر ادعا نموده که از نظر لغوی برای قضا تا ده معنا بیان شده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷:۴) معانی همچون «خلق کردن» که در آیه‌ی شریفه‌ی «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتٍ»؛ (فصلت: ۱۲) یعنی آسمان‌ها را خلق کرد یا به معنای «حکم کردن» در آیه‌ی شریفه‌ی «وَاللّٰهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ» (غافر: ۴۰) یا به معنای «اتمام» در آیه‌ی شریفه‌ی «فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكُمْ» (بقره: ۲۰۰) و همچنین به معنای «امر کردن» در آیه‌ی شریفه‌ی «وَقَضَىٰ رَبُّكَ اَلَا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ» (اسراء: ۱۷) به کار رفته است. همچنین «قضا» در اصطلاح فقهی نیز تا حدود زیادی برگرفته از معنای لغوی خویش است.

مرحوم شهید اول در کتاب «دروس قضا» نوعی ولایت شرعی بر حکم وارد کردند و در تعریف «قضا» چنین می‌نگارند: «هو (القضاء) ولاية شرعية على الحكم في المصالح العامة من قبل الإمام». (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ۲: ۶۵)

شهید ثانی در «مسالك الافهام» به این نکته توجه داده است که قضا، قضا نامیده شده است چراکه قاضی با قضاوت خویش نزاع را فیصله داده و امر را تمام می‌کند و همچنین قضا، حکم نیز نامیده می‌شود؛ چراکه قاضی با حکم خویش، ظالم را از ظلم خودش منع می‌کند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۱۳: ۳۲۵) وی همچنین در «مسالك»، قضا را چنین تعریف کرده‌اند: «انه (القضاء) ولاية الحكم شرعاً لمن له اهلية الفتوى بجزئیات القوانين الشرعية على اشخاص معينة من البرية باثبات الحقوق و استيفائها للمستحق؛ قضاوت، عبارت است از ولایت شرعی بر حکم برای کسی که دارای صلاحیت فتوا در جزئیات قوانین شرعی بوده باشد که طبق آن علیه افراد معین، حکم به اثبات حقوق و استیفای آن به نفع مستحق بنماید». (همان)



فرق میان این دو تعریف اعمّ بودن اوّلی نسبت به دوّمی است که تعریف اوّل شامل حکم در غیر موارد خصومت مانند: حکم به هلال و امثال آن نیز می‌شود؛ به خلاف تعریف دوّم که مخصوص موارد خصومات و دعاوی است. (آشتیانی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۴۴)

امام خمینی (ره) در «تحریر الوسیله» معتقد است قضا به معنای حکم کردن بین مردم به جهت رفع تنازع بین آنها می‌باشد. (خمینی، بی تا، ۲: ۴۰۴)

در مجموع می‌توان در تعریف قضا چنین گفت که قضاوت از این جهت که منصبی از مناصب و شاخه‌ای از ریاست عام ثابت برای رسول خدا (ص) و جانشینان معصوم آن حضرت می‌باشد، به عنوان ولایت شرعی بر حکم در جزئیات قوانین شرعی یا مصالح عمومی جامعه، توسط فقیه جامع الشّرایط بر اشخاصی معین برای اثبات و استیفای حقوق صاحب حق و رفع تنازع می‌باشد.

همچنین در ذیل تبیین معنای قضا، فقها به تبیین تفاوت قضا و افتا نیز پرداختند و آراء مختلفی در این زمینه مطرح شده است. به عنوان مثال، برخی از فقها معتقدند که ماهیّت قضاوت، آن حکمی است که به عنوان ولایت و سلطنت شرعی از وی صادر شده است و هدف آن فصل خصومت می‌باشد؛ در مقابل، مفتی کسی است که شأن وی اخبار از فتوای خویش یا اجتهاد خویش در استنباط احکام می‌باشد. (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۳) برخی دیگر معتقدند که قضاوت به صورت جزئی و در مورد مشخصی است؛ برخلاف افتا که به صورت کلی بیان می‌شود. تفصیل این بحث در جای خود باید بررسی شود.

## ۲. فقه مضاف

در رابطه با اصطلاح فقه مضاف و ماهیّت آن مباحث مختلفی مطرح است.<sup>۱</sup> مراد ما در این نوشتار از فقه مضاف، همان فقه تخصصی یا فقه نو و جدید است. رسالت ایجاد فقه‌های جدید یا همان فقه مضاف را می‌توان اراده‌ی نگاه نظام‌مند به مسائل فقهی در حوزه‌های تخصصی بیان کرد؛ نه این که صرف جمع‌آوری مسائل مختلف

۱. برخی با تعبیر فقه مضاف مخالفت می‌کنند و به جای آن فقه تخصصی را استفاده می‌کنند. ر. ک. به درس خارج فقه تربیتی استاد علیرضا اعرافی، ۱۳۹۵/۷/۲۷.  
./http://eshia.ir/Feqh/Archive/Subject/arafi



یک حوزه از دل مسائل رایج فقهی باشد. در واقع فقه مضاف برای ارائه‌ی نگاه نظام‌مند چند اقدام را انجام می‌دهد: ۱. ارائه‌ی شبکه‌ی مسائل در حوزه‌های تخصصی فقهی؛ ۲. شناسایی خلأهای فروع فقهی متناسب با حوزه‌ی تخصصی خود؛ ۳. افق‌گشایی و طرح مسائل جدید؛ ۴. تکمیل شبکه‌ی مسائل؛ ۵. تکمیل شبکه‌ی ادله.

بنابراین در فقه مضاف مهم این است که با نگاهی نظام‌مند به حوزه‌های تخصصی و کشف روابط بین مسائل فقهی رایج مربوط به آن حوزه‌ی تخصصی در فقه سنتی، با نگاهی کلان و کل‌نگر، شبکه‌ای از مسائل موجود را شناسایی کرد و تحلیل و بررسی روابط بین آنها، خلأهای موجود را شناخت و برای برطرف کردن آنها مسائلی جدید را ارائه داد و افق‌های تازه‌ی پژوهشی را نسبت به مسائل حیطه‌ی تخصصی خود به فقه‌پژوهان ارائه داد، تا بدین وسیله شبکه‌ی مسائل هر حوزه را تکمیل کرد. پس از تکمیل شبکه‌ی مسائل، باید به بررسی و شناسایی شبکه‌ی ادله‌ی مرتبط با مسائل رایج و جدید در بین ابواب مختلف فقهی پرداخت و برخی ادله‌ی مغفول در فقه سنتی را به جامعه‌ی فقه‌پژوه ارائه داد.

### ۳. قوه‌ی قضائیه

براساس قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه یکی از قوای سه‌گانه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. در قانون اساسی، صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های بزرگی وجود دارد که یکی از آنان قضاوت و دیگری اشراف بر دستگاه‌های اجرایی و مراقبت بر حسن اجرای قوانین در آنها است که برعهده‌ی قوه‌ی قضائیه نهاده شده است.

مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی: «قوه‌ی قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیّه که قانون معین می‌کند؛ ۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ ۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ ۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزائی اسلام؛ ۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.



## پیشینه‌شناسی

کتاب القضا یکی از مباحثی است که همواره در طول تاریخ فقه مورد توجّه فقها بوده و فقهای زیادی بدان پرداخته‌اند. در این میان برخی مانند مرحوم شیخ طوسی در «المبسوط فی فقه الامامیه»، مرحوم شهید اول در «الدروس الشرعیّه فی فقه الامامیه»، محقق حلّی در «شرائع الاسلام و المختصر النافع» و شروح آن، مرحوم سید علی طباطبایی در «ریاض المسائل»، مرحوم حسن کاشف الغطا در «انوار الفقاهاة» و... در ضمن یک دوره‌ی کامل فقه، بخشی از آن دوره را به کتاب القضا اختصاص داده و برخی دیگر مانند محقق نجفی در «جواهر الکلام» شرح بر کتاب القضا فقیه پیشین خود نگاشته و برخی دیگر مانند شیخ انصاری درس خارج قضا را برپا کردند که شاگردان وی که خود از فقیهان مبرّز بودند با تقریر دقیق و مناسب، منبعی غنی از مباحث قضا را در اختیار اندیشه‌ورزان قرار دادند.

متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی مسلمین، توجّه به مباحث قضا در طول تاریخ همواره با فراز و فرودهای مختلفی مواجه بوده‌است؛ ولی بی‌گمان، یکی از مهم‌ترین دوران توجّه حوزه به مباحث قضا قرن ۱۳ و ۱۴ مقارن با زمان مرحوم شیخ انصاری (۱۲۸۱ق) و شاگردان وی و فقهای بعد از ایشان است که نقش بی‌بدیل در توسعه و تدقیق مباحث قضا داشته‌است.

شیخ انصاری علاوه بر تألیف کتاب «القضاء و الشهادة» که در سنوات اخیر تصحیح و چاپ شد، از درس خارج فقه قضای وی نیز تقریرات مختلفی صورت گرفته‌است که معروف‌ترین آن تقریر مرحوم آشتیانی (متوفی ۱۳۱۹ق) شاگرد برجسته‌ی شیخ است. اهمّ مباحث کتاب «القضاء و الشهادة» عبارت از صفات قاضی، آداب قضاوت، کیف حکم، مباحث مربوط به کیفیت دعوی و ملحقات قضا می‌باشد. همچنین تقریر مرحوم آشتیانی شامل یک مقدمه و هفت بخش می‌باشد. معنای لغوی قضا، تشریع قضا، احکام قضا، احکام شاهد و بینه، احکام قسمت، احکام دعاوی و تعارض دو شاهد می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. مرحوم آشتیانی در پایان کتاب با اشاره‌ی ضمنی محل نگارش را شهر تهران نام می‌برد. وی در پایان کتاب می‌نویسد: «و قد وقع الفراغ منه فی البلد المشحون بالهموم»؛ یعنی پایان نگارش این کتاب در شهر پراز



در این میان می‌توان به «کتاب‌القضا» تألیف میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۳۲۱ ق) نیز اشاره نمود که ظاهراً تقریر دیگری از درس قضای مرحوم شیخ است. این کتاب نیز در سه مقصد تنظیم شده است: ۱. در مورد قاضی و صفات آن؛ ۲. در کیفیت قضا؛ ۳. در احکام دعاوی. این کتاب نیز به سفارش مرحوم آیت‌الله گلپایگانی و همزمان با تدریس قضا توسط ایشان تصحیح و چاپ شد.

در ادامه می‌توان به «کتاب‌القضا» مرحوم آقا ضیاء‌الدین عراقی (۱۳۶۱ ق) که شرحی مفصل و مستدل بر کتاب «تبصرة المتعلمین» علامه حلی می‌باشد، اشاره نمود. مرحوم عراقی در این کتاب بعد از ذکر برخی از اقوال بزرگان به نقد یا تقویت آن پرداخته است و در پایان، نظر خود را با استدلال بیان می‌کند. در این کتاب، مباحث در چهار فصل مطرح شده است: فصل اول، کیفیت تزکیه‌ی شاهد و شروطی که شاهد برای قبول شهادت لازم دارد؛ فصل دوم، به بیان کیفیت حکم اختصاص دارد؛ فصل سوم، پیرامون قسم‌خوردن مباحثی را همچون شرایط قسم‌خوردن شرعی، قسم‌دادن غیر معتقد، کیفیت قسم‌دادن فرد لال بررسی شده است و در فصل چهارم به مسئله‌ی مدّعی پرداخته شده است.

در نهایت، برای تبیین سیر کتاب‌القضا تا قبل از سده‌ی اخیر می‌توان به «کتاب‌القضا» مرحوم سید یزدی (۱۳۳۷ ق) در تکمله‌ی «العروة» اشاره نمود. نکته‌ی قابل تأمل آن‌که نوع مباحث قضا در این کتاب در قالب فروع مختلف بوده است و به‌صورت نیمه‌استدلالی می‌باشد. برخی از مباحثی که در کتاب فوق مطرح شده است عبارت است از: تعریف قضاوت، فوریت یا عدم‌فوریت و جوب قضاوت، جواز قضاوت براساس علم قاضی، شرایط مدّعی و منکر، مقاصه، اقرار، شاهد و یمین.

## تطور و معیارهای فقه‌القضا

«فقه‌القضا» به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین کتب فقهی همواره در طول تاریخ فقاقت

---

غم و غصه انجام شد. چراکه در آن زمان که دوران پایدانی حکومت قاجار بود، شهر تهران مواجه با بحران‌های سیاسی و اجتماعی فراوانی بود. (ر. ک. به کتاب‌القضاء، ۲: ۱۱۷۴)



در عصر غیبت کبری در کانون توجّه قرار داشته‌است. از این رو، در نوشته‌ی پیش‌رو گستره‌ی بحث بررسی تطوّرات فقه القضا در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم در سده‌ی اخیر یعنی از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی تاکنون می‌باشد.

از سوی دیگر، معیار تبیین تطوّرات در سده‌ی اخیر، ترکیبی از تحولات سیاسی، نوع فعالیت‌های علمی و تألیفات و میزان دروس خارج با محوریت مباحث قضا است. توضیح آن‌که در رابطه با بررسی مباحث فقه القضا در سده‌ی اخیر حداقل می‌توان به دو معیار اشاره نمود:

معیار اول، بررسی تحولات براساس زمان است که براساس این معیار می‌توان سده‌ی اخیر را به سه دوره تقسیم نمود:

الف. از زمان حاج شیخ تا پیروزی انقلاب؛

ب. از زمان پیروزی انقلاب تا دهه‌ی هشتاد شمسی؛

ج. از دهه‌ی هشتاد شمسی تا زمان کنونی.

معیار دوم آن‌که تحولات سده‌ی اخیر را براساس طبقه‌بندی تألیفات و کتب ارزیابی نمود. بر این اساس، می‌توان به پنج دسته اشاره نمود:

الف. دروس خارج قضا و تقریرات آن؛

ب. تألیفات مستقل پیرامون قضا و تبیین شب‌هات مربوط به آن؛

ج. کتب فتوایی و شروح آن؛

د. تألیفات که به سبک فقه استدلالی به قضا پرداخته‌اند؛

و. پایان‌نامه‌ها و مقالات و مراکز حوزوی مربوط به قضا.

در نوشته‌ی پیش‌رو تطوّرات فقه القضا در سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیّه‌ی قم براساس ترکیبی از معیار اول و دوم بررسی شده‌است. یعنی معیار تقسیم‌بندی تحولات سیاسی همچون پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و نوع تألیفات و دروس خارج و سیر تکامل فعالیت‌های علمی حوزه‌ی قم در سده‌ی اخیر می‌باشد.

## ادوار تطوّر فقه القضا

تطوّر فقه القضا در سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیّه‌ی قم را می‌توان به ادوار ذیل تقسیم‌بندی کرد:



## ۱. دوره‌ی اول: طرح استطرادی مسائل فقه‌القضا در ابواب فقهی

در این دوره که از اوایل قرن ۱۴ یعنی سال ۱۳۰۰ شروع می‌شود و تا پیروزی انقلاب اسلامی یعنی سال ۱۳۵۷ ادامه دارد، مسائل و موضوعات مربوط به کیفیت رسیدگی قضایی و شرایط قاضی و مجموعه مباحث مربوط به قضاوت به صورت خاص در کتاب‌القضا در متون فقهی مطرح می‌شود.

در این دوره که مباحث قضا عمدتاً تحت تأثیر مباحث قضای مرحوم شیخ انصاری و شاگردان وی قرار داشت نیز توسط فقهای همچون مرحوم سید احمد خوانساری در «جامع‌المدارک» و مرحوم امام خمینی (ره) از حوزه‌ی علمی‌ی قم و مرحوم سید سعید حکیم و مرحوم آیت‌الله خویی در حوزه‌ی علمی‌ی نجف پی گرفته شد.

نوع تألیفات قضایی در این دوره نیز همچون فقهای قبل از سده‌ی اخیر گاهی به صورت فتوایی همچون سید یزدی در «تکملة‌العروة» و در برخی از موارد به صورت فقه استدلالی همچون محقق نجفی در جواهر به همراه شرح و استدلال می‌باشد.

### ۱-۱. اهم آثار این دوره

نکته‌ی قابل تأمل آن‌که در این دوره، براساس منابعی که در اختیار نویسنده‌ی سطور هست، به لحاظ کمی تعداد قابل توجهی از تألیف یا مقاله ... به دست نیامد و صرفاً می‌توان به دو نمونه‌ی روشن در حوزه‌ی علمی‌ی قم اشاره نمود:

أ. «جامع‌المدارک» تألیف مرحوم سید احمد خوانساری (متوفی ۵۰۴۱ق)

«جامع‌المدارک» یکی از معتبرترین شرح‌های «مختصرالنافع» علامه حلی است که به صورت شرح مزجی همچون «جواهرالکلام» تألیف شده‌است؛ به این معنا که حواشی و متن کتاب با هم ترکیب شده‌اند. در این کتاب مباحث فقهی با توجه به روایات و آیات قرآن کریم مطرح شده‌است.

مؤلف با توجه به بنیه‌ی فقهی بسیار قوی که داشته‌است فقه‌الحديث، آیات و روایات را به بهترین وجه بیان نموده‌است و کمتر به منبع یا مأخذ فقهی به صورت



صریح استناد کرده‌است. نحوه‌ی تنظیم مباحث در «جامع المدارک» نیز نظیر شرح مختصر از چهار قسمت عبادات، معاملات، ایقاعات و احکام تشکیل شده که در جلد شش به مباحث قضا و شهادت پرداخته‌است. در این کتاب مؤلف کمتر به نظریات فقها و بزرگان با نام اشاره کرده و عموماً بدون ذکر نام صاحب نظریّه، آن را طرح نموده‌است؛ به‌عنوان مثال، در بحث لزوم اجتهاد در قضاوت وی بدون این‌که ذکری از نام فقیهان داشته باشد با اشاره به نکات اصلی بحث و اهمّ روایات و قرائن، مدّعی خود را تبیین می‌نماید. (خوانساری، ۱۴۰۵، اق، ۶: ۶)

این رویه در عموم مطالب مطرح‌شده در کتاب وجود داشته و ایشان با توجه به آیات شریفه و روایات مباحث را بررسی نموده‌است. در این کتاب، آیات و روایات، بسیار دقیق و فقیهانه بررسی شده و مؤلف با دقّت و ظرافت خاصی به طرح و بررسی آنان پرداخته‌است. بر همین اساس، می‌توان گفت که کتاب مذکور از اولین کتاب‌هایی است که بعد از مرحوم حاج عبدالکریم حائری به سبک فقه استدلالی پیرامون مباحث قضا نگاشته شده‌است.

ب. «تحریرالوسیله» تألیف سید روح‌الله موسوی خمینی، متوفی ۸۶۳۱ش و شروح آن.

کتاب «تحریرالوسیله» یکی از آثار حضرت امام خمینی (قدّس سرّه) می‌باشد. این کتاب فقهی - فتوایی است و در واقع تعلیقه‌ای بر کتاب «وسیلة النجاة» سید ابوالحسن موسوی اصفهانی است. «تحریرالوسیله» یک دوره‌ی کامل فقه است که از کتاب طهارت شروع و به کتاب دیات پایان می‌پذیرد. یکی از ابواب آن کتاب القضا است که شروح مختلفی نیز بر آن نگاشته شده‌است. آنچه در رابطه با «تحریرالوسیله»ی مرحوم امام مهمّ است آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قضّات دادگستری برای رفع خلأ قانونی از «تحریرالوسیله» به‌عنوان متّم قانون استفاده می‌کردند که با قانونی شدن استفاده از آرای مشهور فقها (اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و توسعه‌ی نطاق مرجعیّت امام خمینی و انطباق اکثر آرای او با آرای مشهور فقها، این کتاب در دادگاه‌ها و محافل علمی مورد توجه و مراجعه‌ی بیشتر قرار گرفت.

اهمّ مباحثی که در کتاب القضا مورد بررسی قرار گرفته‌است عبارت است از:



تعریف قضا و حکم آن، صفات قاضی، وظایف قاضی، شروط سماع دعوی، جواب مدّعی علیّه، احکام ید و خاتمه. (خمینی، بی تا، ۲: ۴۴۰-۴۰۴)

کتاب «تحریرالوسیله» از آنجا که نقش محوری در تشکیل نظام حقوقی (اعمّ از تقنین و قضا) در کشور داشت، بعد از مرحوم امام توسط شاگردان ایشان شرح مختلفی بر آن نگاشته شد. از جمله کتاب «تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله» که توسط مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی شرح داده شد و یکی از مجلّات آن مربوط به کتاب القضا «تحریرالوسیله» می باشد. همچنین کتاب «مبانی تحریرالوسیله» تألیف آیت الله محمد مؤمن قمی نیز یکی از شروح «تحریرالوسیله» در بخش کتاب القضا می باشد.

در تحلیل موارد فوق می توان چنین گفت که در سنوات آغازین تأسیس حوزه علمیّه قم با توجه به اوضاع سیاسی و شرایط خاص حاکم بر کشور از یک سو و تازه تأسیس بودن حوزه علمیّه قم از سوی دیگر، شرایط برگزاری دروس خارج قضا و سایر تلاش های علمی پیرامون قضاوت فراهم نبود. لذا، با تعداد کمی از این گونه فعالیت ها مواجه هستیم. مرحوم امام در «تحریرالوسیله» در ضمن ابواب مختلف فقهی یک باب پیرامون قضاوت مباحثی را مطرح نموده اند و مرحوم سید احمد خوانساری نیز در ضمن «شرح مختصرالنافع» کتاب القضا را به صورت استدلالی شرح می دهد.

این در حالی است که از زمان تأسیس حوزه علمیّه قم در سال ۱۳۰۰ تا پیروزی انقلاب، فقهای بسیار زیادی در حوزه علمیّه قم مشغول به تدریس کتب فقهی بودند؛ به عنوان مثال، فقهایی همچون سید صدرالدین صدر، سید محمدحجّت کوه کمره ای و سید محمدتقی خوانساری، سید حسین طباطبایی بروجردی، میرزا هاشم آملی، محمدعلی اراکی، سید احمد زنجانی، سید احمد خوانساری، سید محمد محقق داماد، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، سید کاظم شریعتمداری، سید کاظم گلپایگانی و...؛ اما از هیچ کدام اثری اعمّ از درس خارج یا تألیف یا رساله ای پیرامون مباحث قضا ثبت نشده است.

همچنین یکی دیگر از خطوط اصلی در این بازه زمانی آن است که نگاه فقها



به مباحث قضا در این دوره، امتداد نگاه سلف صالح سابق خود بوده، به این معنا که بسیاری از مباحثی که ذیل عنوان فقه القضا تبیین شده، عمدتاً ناظر به مسائلی است که در فرایند دادرسی اتفاق افتاده است؛ اما به صورت نظام مسائل و بررسی یک مجموعه‌ی منسجم که مربوط به سازمان قضایی باشد، نیست. به تعبیر دیگر، مباحث فقه القضا و الشّهادة همواره به عنوان یکی از ابواب فقهی مورد توجّه فقها بوده اما این که فقه مربوط به قوه‌ی قضائیه به عنوان یک سازمان قضایی که دارای اجزا و ارکان مختلفی بوده است و هدف آن ایجاد عدالت است که طبق یک فرایند قانونی و مشخص اقدام به رسیدگی قضایی می نماید، مدنظر فقها نبوده است.

همچنین اهمّ مباحثی که در کتاب القضا در این دوره مطرح شده است عبارت است از: «تعریف قضا، وجوب قضا، صفات قاضی، انواع قاضی، ارتزاق قاضی از بیت المال. (خمینی، بی تا، ۲: ۴۴۱-۴۰۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۶: ۹۶-۲) جواز قضاوت براساس علم قاضی، حرمت رشوه، احضار خصم در مجلس حکم، کیفیت مجلس حکم، کتاب قاضی به قاضی، اخذ اجرت بر قضا، جواز تجدید قضاوت، عدالت شهود، حرج و تعدیل شهود، جواز تعویل بر حسن ظاهر، تعدّد و عدالت مترجم، اشتراط جزم در دعوا، جواز سماع دعوی مجهول، جواز قضاوت براساس اقرار و شرایط آن، مباحث رد یمین، یمین منکر، اقامه‌ی بیّنه و شرایط آن، مراحل رسیدگی به دعوا عمّ از اقامه‌ی بیّنه، یمین منکر، تداعی، احکام اختلاف در عقود، اختلاف در دعوی املاک، دعوی موارثت، اختلاف در ولد، احکام قسمت».

## ۲. دوره‌ی دوّم: دوره‌ی رشد و تعالی فقه القضا

همان طور که گذشت، در دوره‌ی اوّل که تقریباً از سال ۱۳۰۰ شمسی در دوران زعامت مرحوم آیت الله العظمی حاج عبدالکریم حائری یزدی شروع شد، با توجّه به شرایط خاص کشور و تازه تأسیس بودن حوزه‌ی علمیّه‌ی قم مباحث فقه القضا چندان رونق نداشت و غیر از کتاب القضا (تحریر الوسیله) و «جامع المدارک» تألیف دیگری ثبت نشده است.

در دوره‌ی دوّم که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ورود رسمی فقه



امامی به عرصه‌ی قضاوت و تقنین بود، نقطه‌ی عطفی در توجّه هرچه بیشتر حوزه به مباحث حاکمیت اسلام از جمله مباحث فقه القضا بود. به تعبیر دیگر، پس از استقرار نظام مشروطیت در ایران و کنارگذاشتن دادگاه‌های عرفی با محوریت روحانی‌ها در جامعه، قوانین مصوّب در دوران مشروطه به‌ویژه پهلوی اول و دوم، رنگ و بوی اسلامی و دینی خود را از دست داده بود.

بنیان نظام حقوقی مدرن در دوران پهلوی با تقلید از مبانی حقوق غربی، از آموزه‌های اسلامی در تدوین قوانین فاصله گرفته بودند. چنین قوانینی گرچه از لحاظ شکلی، نظام‌مند بود؛ اما به دلیل این‌که با ساختار مذهبی، اجتماعی و فرهنگی جامعه منطبق نشده بود، در مرحله‌ی اجرا با مشکلاتی مواجه می‌شد. فاصله‌گرفتن از مبانی فقهی در تدوین قوانین حتی در کم‌رنگ‌شدن حضور ناظران شرعی که در قانون اساسی مشروطه به آن اشاره شده بود نیز خود را نشان داد و به‌رغم تصریح قانون اساسی مشروطه، به‌مرور مجالس مختلف اهمتامی برای تطبیق قوانین با مبانی اسلامی از خود نشان ندادند.

تا سال ۱۳۲۰ نظام حقوقی کشور ترکیبی از آموزه‌های فقهی و هنجارهای نوین حقوقی بود؛ اما از این تاریخ به بعد، قوانین صرفاً از منابع و هنجارهای غربی استنتاج می‌شدند که قانون خانواده و قانون طلاق از این دست قوانین بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ چنان‌که طبیعت هر انقلابی اقتضا می‌کند، تحولات بنیادی و ساختاری گسترده‌ای در سازمان حکومت ایجاد گردید و بنیان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور عمیقاً متحوّل شد.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، از یک جهت، شاهد تحوّل و پیشرفت‌های عظیمی در نظام حقوقی کشور و از جهت دیگر شاهد سیطره‌ی ایدئولوژی اسلامی بر قوانین کشور بودیم.

آموزه‌های فقهی که سال‌ها در حوزه‌های علمیّه مورد بحث و بررسی قرار گرفته بودند، مجال یافتند تا در قالب قانون تدوین شوند. البته این‌گونه هم نبود که تجارب ارزشمند حقوقی گذشته به‌صورت کلی کنار گذاشته شود؛ بلکه با اقتباس علمی و منطقی از هنجارهای حقوقی مدرن، آن را به آموزه‌های فقهی آزمودند و منطبق بر



ساختار مذهبی و اجتماعی جامعه به قوانین مختلف تبدیل کردند.

از سوی دیگر، شاید بتوان یکی از عواملی که نقش مهمّی در حرکت حوزه‌های علمیّه به سمت مباحث قضا در دوره‌ی دوّم داشت را فرمان انقلاب قضایی مرحوم امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ دانست که ایشان در این فرمان خواهان لغو کلیّهی قوانین غیراسلامی شدند. همچنین ایشان در فرمان هشت مادّه‌ای در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ بار دیگر بر لزوم اسلامی کردن قوانین و ساختار قضایی کشور تأکید کردند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵: ۴۵)

بر همین اساس، نوع تألیفات و مسائلی که در دروس خارج در سنوات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد، حاکی از این اهتمام فقها و مراجع تقلید به مباحث قضا بود که در این بخش بدان خواهیم پرداخت.

بر همین اساس، قوه‌ی قضائیه همانند سایر قوا در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۷ دوره‌ی انتقال از نظام سابق به نظام قضائی جدید را پشت سر گذارد. بعد از سال ۱۳۶۱ نظام قضائی اسلامی از حیث قوانین و تشکیلات تثبیت شد و با اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ نظام قضائی انقلاب، مورد بازنگری و اصلاحات قرار گرفت و تا اواخر دهه‌ی هفتاد شمسی اصلاحات مذکور در قوه‌ی قضائیه به ثبات نسبی رسید.

بر اساس آنچه گذشت معلوم شد که محدوده‌ی زمانی در این دوره از اوّل پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تا اواخر دهه‌ی هفتاد است. دورانی که ویژگی‌هایی همچون ۱. ورود رسمی فقه امامیه به عرصه‌ی تقنین؛ ۲. توسعه‌ی مباحث قضاوت و آشکار شدن خلأهای فتوایی و قانونی فراوان در عرصه‌ی قضا؛ ۳. تغییر قوانین و سیستم دادرسی، دارا بود. بنابراین، در این بازه‌ی زمانی و به موازات اتّفاقات سیاسی و قانونی مذکور، در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم طیف وسیعی از تلاش‌های علمی و دروس خارج با محوریت فقه القضا رونق گرفت.

## ۱.۲. مهم‌ترین اقدامات حوزه در این دوره

در نگاه کلی می‌توان اقدامات حوزه‌ی علمیّه را در پنج دسته تقسیم نمود:



## الف. شکل‌گیری حلقه‌های دروس خارج با محوریت فقه‌القضا در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم

همزمان با اتفاقات سیاسی و فرهنگی در کشور و وجود خلأ قانونی و فقهی در عرصه‌ی قضاوت، بسیاری از مراجع اقدام به تشکیل دروس خارج قضا نمودند که در بسیاری از موارد دروس فوق به صورت کتب و تقریر در اختیار علاقمندان قرار می‌گرفت. جالب آن‌که در بسیاری از موارد، اساتید دروس خارج فقه قضا به‌ویژه در جلسات ابتدایی به این نکته تصریح می‌نمودند که علّت شروع درس خارج فقه قضا، احساس نیاز جامعه و دستگاه‌های قضا و وجود فروعات و شب‌هات مختلف دربارهی مسائل قضاوت می‌باشد.

در ادامه همّ موارد مذکور از نظر می‌گذرد:

### ۱. درس خارج قضا و شهادت آیت‌الله گلپایگانی و تألیف کتاب «فقه‌القضا»

«کتاب‌القضا»، تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی (ره) است که توسط شاگردش آیت‌الله سید علی حسینی میلانی، نوه‌ی مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی (ره) تقریر شده‌است. ایشان در سال ۱۴۰۱ش، آغاز به تقریر این کتاب به زبان عربی نمود که مورد استقبال طلاب حوزه‌های علمیّه و سایر اندیشمندان و پژوهشگران مسائل قضائی و حقوقی واقع گردید. مرحوم میلانی در مقدمه‌ی «کتاب‌القضا» دربارهی علّت شکل‌گیری درس خارج استاد خویش چنین می‌نویسد:

«عند ما انبثقت الثّورة في بلادنا ضدّ النظام الامبراطوري و اطاحت به و طالبت الأمة بالعودة بها الى أحكام الإسلام و أقيمت المحاكم الشرعيّة، قام سيّدنا الأستاذ الأكبر فقيه الأمة و زعيم الحوزة العلميّة، المرجع الديني الكبير، آية‌الله‌العظمی الحاج السيّد محمدرضا الموسوي الكلپايگاني دام ظلّه الوارف بتدريس «كتاب القضاء» لإعداد ثلّة من الفضلاء للتأهل بتولي هذا المنصب الخطير.» (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۹-۸)

ناگفته پیداست که مقام علمی و جایگاه رفیع آیت‌الله گلپایگانی در ارج و قیمت کتاب نقش به‌سزایی داشت. «کتاب‌القضا» در دو جلد می‌باشد که جلد اول شامل مقدمه‌ای از مقررّ محترم، تعریف لغوی و اصطلاحی قضا، قضا در شریعت، و جوب



قضا، صفات قاضی، مسائلی پیرامون قاضی و قضاوت، آداب قاضی و قضاوت، مسائل دیگری پیرامون آداب قضاوت و قاضی و کیفیت مجلس حکم می‌باشد. در جلد دوم نیز کتاب یک قاضی به قاضی دیگر، بعضی از احکام قسمت، احکام دعاوی، توسّل به حق، اختلاف در دعاوی املاک، اختلاف در عقود، دعاوی مواریث، اختلاف در ولد، مورد بررسی‌های فقهی و اصولی واقع گردیده‌اند. این جلد یک خاتمه نیز دارد که مقررّ تاریخ پایان تقریر را در آن یادآوری نموده‌است. مقررّ محترم، مقدمه‌ای بر «کتاب القضا» نوشته‌است که دربرگیرنده‌ی مطالبی حول جایگاه قضا در دین اسلام و علّت اهمیّت فوق‌العاده‌ی آن می‌باشد. ایشان، آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی حدید را نشانگر جایگاه قضا در رسالت انبیای الهی می‌داند که می‌فرماید: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس». (همان: ۹)

## ۲. درس خارج آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و تألیف کتاب «أسس القضاء و الشهادة»

یکی دیگر از دروس خارج در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم درس خارج فقه قضای آیت‌الله تبریزی بود که محصول آن تألیف کتاب «أسس القضاء و الشهادة» بود. این کتاب برپایه‌ی متن «شرائع الاسلام» که از متون جامع و دست‌اول و کلاسیک فقه استدلالی شیعه است، سامان یافته‌است.

هدف مؤلف استخراج احکام اجتماعی و عمومی دادرسی اسلامی نظام کیفری اسلامی است که به دلیل جامعیت و اتقان و طبقه‌بندی مناسب کتاب «شرائع الاسلام» براساس آن کتاب طرح شده‌است. بدین شکل که ابتدا، قطعاتی از متن شرائع در بالای صفحه آمده و در ذیل آن به کنکاش در تعاریف، طرح فروعات جدید، تشریح مبانی، مسائل، مستندات و احکام هر موضوع اقدام شده‌است.

در این کتاب همان‌طور که از نامش پیدا است به دو موضوع کلی مرتبط است: بخش اول درباره‌ی احکام قضاوت و شرایط و صفات قاضی و احکام مرتبط با مدعی و متّهم و بخش دوم درباره‌ی شرایط شاهد و احکام شهادت می‌باشد. (تبریزی، بی تا: ۳)



### ۳. درس خارج فقه القضا آیت‌الله جعفر سبحانی و تألیف کتاب «نظام القضاء و الشهادة»

کتاب فوق در دو جلد و برای تبیین مسائل قضا و شهادت، به قلم آیت‌الله جعفر سبحانی به زبان عربی، در حدود سال ۱۴۱۴ق، تألیف گردیده است. ایشان در مقدمه‌ی کتاب به این نکته تصریح نموده‌اند که بحث فوق براساس تقاضای جمعی از طلاب و نیاز به بررسی مسائل فوق به‌خصوص بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مطرح شد و اصلی‌ترین انگیزه‌ی طرح این مباحث گردید.

کتاب، از دو بخش قضا و شهادت تشکیل شده است که قسمت اول آن، حاوی چهار مبحث صفات قاضی، آداب قاضی، کیفیت حکم و احکام دعاوی می‌باشد. قسمت دوم، دربرگیرنده‌ی پنج مقصد صفات شهود، مستند شهادت، مواضعی که شهادت در آنها قبول می‌شود، شهادت بر شهادت و لواحق مبحث شهادت است. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۷)

### ۴. درس خارج فقه قضای آیت‌الله محمد فاضل موحدی لنکرانی

یکی از دروس خارج فقه قضا که بعد از انقلاب شکل گرفت و در تربیت قضات و توسعه‌ی مباحث فقهی مربوط به قضاوت نقش مؤثری داشت، درس خارج فقه قضای مرحوم آیت‌الله محمد فاضل موحدی لنکرانی بود. ایشان درس خارج خود را با محوریت کتاب القضا «تحریر الوسیله» مرحوم امام خمینی (ره) شروع کردند و سالیان متمادی مباحث مختلفی را در این زمینه مطرح نمودند.

ایشان در جلسه‌ی اول درس خود در باب علت شروع فقه القضا چنین می‌گوید: «چیزی که به نظر رسید، این بود که برای جهاتی، کتاب القضا را شروع کنیم: یکی این‌که در این روزها خیلی مورد ابتلا است و دیگری این‌که آن روزهایی هم که مورد ابتلا نبوده است، از روش علمای ما استفاده می‌شود که اهتمام عجیبی نسبت به قضا و شهادت داشتند. مثلاً از زمان صاحب جواهر - که یک جلد از چهل و سه جلد جواهر، مربوط به قضا و شهادت است - به بعد اهتمام خیلی شدیدی به مسئله‌ی قضا پیدا شده است؛ به طوری که مرحوم شیخ انصاری (قدس سره) که بعد از صاحب جواهر مسئله‌ی حوزه‌ها و زمام حوزه‌ها را در دست گرفته است - کتاب‌های شیخ



(قدّس سرّه) هم مثل «رسائل» و «مکاسب» معروف است - یک جلد کتاب در قضا و شهادت دارد و مرحوم حاج ملاعلی کنی (قدّس سرّه) شاگرد صاحب جواهر (قدّس سرّه) هم یک جلد کتاب مفصّل دارد، از شاگردهای مرحوم شیخ انصاری است؛ چون خود شیخ انصاری تدریس کرده است و چند نفر از شاگردهای او که کتاب‌هایشان چاپ شده‌اند.

بعضی اشاره کرده‌اند به این که این تقریر مرحوم شیخ است، مثل آخوند ملاحسین قلی همدانی در جزینی (ره) که به عرفان و کشف و استاد عرفان معروف بودند و ما هیچ فکر نمی‌کردیم که در فقه آنقدر مهارت داشته باشد. ایشان دو جلد کتاب قضا را به‌عنوان تقریرات شیخ (ره) نوشته است. مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی (ره) البتّه در کتاب ایشان اشاره‌ای نیست به این که تقریرات شیخ است، ولی ظاهر این است که تقریرات است و همین‌طور مرحوم حاج میرزا حسین آشتیانی (قدّس سرّه) صاحب کتاب «بحرالفوائد» که شرح رسائل است، یک کتاب مستقلّی هم در قضا دارد.

ایشان هم اشاره نمی‌کند به این که تقریرات شیخ (ره) است، ولی ظاهراً این است که مطالب، همان مطالب شیخ و استاد بزرگوار است. مرحوم آقا شیخ ضیاءالدین عراقی (قدّس سرّه) ایشان هم کتابی در قضا دارد. با این که خیلی مختصر است، ولی خیلی هم دقیق و پراستفاده است. همین‌طور دیگر متأخرین از ایشان، بعضی‌الاعلام (قدّس سرّه) در کتاب «مبانی تکملة المنهاج» هم مسئله‌ی قضا و شهادت مطرح است.

همین‌طور کتاب‌های دیگر مرحوم حاج سیّد محمدکاظم یزدی، صاحب «عروة»، در «تتمّة العروة» که جزء ثانی و ثالث «عروة» است و اتفاقاً «تتمّة العروة» یک کتاب نیمه‌استدلالی است، آنجا هم یکی از بحث‌هایی که عنوان می‌کند، عبارت از کتاب القضا است و «تتمّة العروة» هم خیلی کتاب خوب و بسیار پرفایده‌ای است، به‌لحاظ این که متعرّض استدلال هم هست، ولو این که استدلالش کامل نیست؛ اما به‌صورت کتاب نیمه‌استدلالی مطرح است.<sup>۱</sup>

نکته‌ی جالب توجّه این که مرحوم فاضل در سال ۱۴۱۸ق کتابی نیز به‌عنوان



«تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله» در بحث کتاب القضاء «تحریرالوسیله» نگاشته‌است که به نظر می‌رسد بی‌ارتباط با درس خارج فقه ایشان نبوده‌است که در بخش‌های بعدی بدان خواهیم پرداخت.

### ۵. درس خارج فقه قضای آیت‌الله مقتدایی

ایشان که از شاگردان مرحوم امام (ره) بودند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در قوه قضائیه، به فعالیت پرداخت. از مناصب مهم ایشان می‌توان به قاضی دادگاه‌های انقلاب اسلامی و ریاست دیوان عالی کشور اشاره کرد؛ نکته‌ای که خود می‌تواند به‌عنوان مزیتی در طرح مباحث قضا در حوزه به‌شمار آید. ایشان از سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۲ درس خارج فقه‌القضای خود را با محور «تحریرالوسیله» در حوزه‌ی علمی‌ی قم شروع کردند.<sup>۱</sup>

### ب. تألیف کتب مستقل پیرامون شب‌هات و مسائل قضایی در حوزه‌ی علمی‌ی قم

علاوه بر تشکیل دروس خارج در دوره‌ی دوم، یکی دیگر از شاخصه‌های این دوره تألیف کتب مختلف پیرامون مباحث قضا می‌باشد. تألیفات مذکور خود با انگیزه‌ها و اهداف مختلفی همچون پاسخ به سؤالات و شب‌هات مختلف، شرح و تحشیه بر کتاب‌القضای فقهای سابق و... می‌باشد. برخی از اهم تألیفات فوق عبارت است از:

#### ۱. «فقه‌القضا» تألیف سید عبدالکریم موسوی اردبیلی متوفی ۱۳۹۵

«فقه‌القضا» از جمله آثار فقهی آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی است که در دو جلد به زبان عربی و در شرح کتاب‌القضای «شرائع‌الاسلام» مرحوم محقق حلّی تألیف گردیده‌است. کتاب، مشتمل بر دو جزء است که جزء اول آن، شامل دو امر مقدماتی (به ترتیب سه مطلبی و دو مطلبی) و دو نظر (به ترتیب دارای هشت فصل و یازده مسئله؛ دو فصل و هفده مسئله) است و جزء دوم دارای دو نظر (به ترتیب واجد چهار مقصد و یک خاتمه‌ی دو فصلی؛ یک مقدمه و چهار مقصد) می‌باشد. جمله‌ی آغازین متن این است: «کتاب‌القضاء و التّنظر فی صفات القاضی

۱. <https://mhzt.ir/Feqh/Archive/Moghtadaei/Feqh>



و آداب و کیفیّة الحکم و احکام الدّعاوی».

در ذیل این جمله، یک مقدّمه‌ی دو بخشی از سوی شارح بیان شده‌است: بخش اوّل آن، مربوط به معنی لغوی و اصطلاحی قضا می‌باشد؛ بخش دوّم درباره‌ی حکومتی بودن منصب قضا می‌باشد. در نظر اوّل، بحث پیرامون صفات قاضی است و در نظر دوّم، پیرامون آداب قضاوت بحث شده‌است؛

در نظر سوّم، بحث درباره‌ی کیفیّت حکم است و در آن از وظایف قاضی همچون برقراری مساوات بین متخاصمین، عدم جواز تلقین چیزی به یکی از متخاصمین و...، مسائل متعلّق به دعوا، همچون معلومیّت دعوا، اشتراط جزم در دعوا که شروط سماع دعوا می‌باشند، کیفیّت تعیین مدّعیّ به و...، جواب مدّعیّ علیه، اقسام جواب، الزام به اقرار و...، وظیفه‌ی قاضی در هنگام انکار مدّعیّ علیه، حقّ سوگند دادن مال مدّعی، سوگند منکر و اثر آن در دعوا، جواز ردّ سوگند بر مدّعی و موارد استثنای آن از آن و...، اثر سوگند نخوردن منکر و وظیفه‌ی قاضی در آن هنگام، موارد لزوم سوگند خوردن مدّعی با وجود بیّنه و...، اثر سکوت مدّعیّ علیه عمداً و عناداً، اثر سکوت مدّعیّ علیه به خاطر وجود آفتی و...، کیفیّت استخلاف، قسم، قسم منکر و مدّعی و...، نامه‌نگاری یک قاضی به قاضی دیگر و... بحث شده‌است.

در نظر چهارم درباره‌ی احکام دعوا است و در آن، از تعریف مدّعی و منکر، شروط سماع دعوی و... اختلاف در دعوی اموالک، اختلاف در عقود، دعوی مواریث و اختلاف در ولد سخن به میان آمده‌است. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق: ۸)

## ۲. «القضاء فی الفقه الاسلامی» تألیف سیّد کاظم حسینی حائری

«القضاء فی الفقه الاسلامی» اثر فقهی آیت‌الله سیّد کاظم حسینی حائری و در موضوع قضا است که به زبان عربی و در سال ۱۴۰۶ق تألیف گردیده‌است. کتاب حاضر از پنج فصل تشکیل شده‌است که عبارتند از: فصل اوّل: وجوب قضا؛ فصل دوّم: شخصیّت قاضی؛ فصل سوّم: طرق اثبات در نزد قاضی؛ فصل چهارم: حکم بر غایب؛ فصل پنجم: میزان نفوذ حکم قاضی. (حائری، ۱۳۸۱: ۴)



### ۳. «تعلیق و تحقیق امّهات مسائل القضاء» تألیف محمدهادی معرفت متوفی ۱۴۲۹ق

«تعلیق و تحقیق عن امّهات مسائل القضاء» کتابی است از مرحوم آیت‌الله محمدهادی معرفت، به زبان عربی در تبیین شانزده نکته‌ی دارای اهمیت، پیرامون مباحث قضا. مؤلف، نکات مزبور را از کتاب «القضاء الاسلامی» خود استخراج کرده‌است. مهمّات قضا که مؤلف بدان‌ها در کتاب، توجّه ویژه نموده‌است، عبارتند از: (معرفت، بی تا: ۲۳۳)

- قضاوت، ولایتی شرعی بوده و در نظام اسلامی منصبی رسمی به‌شمار می‌رود.
- گستره‌ی ولایت قضا و موارد شمول آن؛
- تبیین مسئله‌ی قضاوت بر مبنای علم و ضرورت مذهب بر آن؛
- بی‌اساس بودن قاضی تحکیم؛
- اجتهاد، استنباطی است برآمده از ملکه نه مجرد قدرت بر آن؛
- عدالت صفت فعل بوده و شرایط آن به مناسبت مراتبش مختلف می‌گردد.
- معتبر بودن پاکی ولادت و گریزی به مسئله‌ی ایمان ولدالزنا؛
- عدم صلاحیت زن برای قضاوت، به جهت مستعدنبودن برای آن؛
- توکیل و جایگزینی در قضاوت؛
- شمارش گناهان کبیره؛
- فحش از جرایم و تعقیب مجرمان؛
- مرافعه در شبهات حکمیّه؛
- ضابط شبهات دفع‌کننده‌ی حدود؛
- حقیقت توبه و جایگاه آن در سقوط حدود؛
- اجرت‌گرفتن بر قضاوت یا ارتزاق از بیت‌المال؛
- مبحث رشوه و مشابهات آن.

### ۴. «البراهین الواضحات» تألیف علی اسماعیل پور قمشه‌ای ۱۳۹۷

کتاب «البراهین الواضحات: دراسات فی القضاء» نوشته‌ی آیت‌الله محمدهادی معرفت، در دو جلد به بحث درباره‌ی صفات قاضی و آداب اسماعیل پور قمشه‌ای (۱۳۱۹)، در دو جلد به بحث درباره‌ی صفات قاضی و آداب



قضاوت می‌پردازد. نگارنده متن کتاب «شرائع الإسلام» محقق حلی در باب قضا را مورد شرح و بررسی فقهی قرار داده‌است. هدف نویسنده بیان ابعاد مختلف امر قضا و فروعات فقهی مربوط به آن است؛ به طوری که برای امور قضایی امروز نیز قابل استفاده باشد. نگارنده، نخست متن کتاب «شرائع الإسلام» محقق حلی را درج نموده و پس از آن به شرح متن و ارائه‌ی دیدگاه‌های فقهی خویش به شیوه‌ی فقه استدلالی می‌پردازد. (اسماعیل پور قمشه‌ای، ۱۴۲۱ق: ۳)

#### ۵. «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدّولة»

کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدّولة» تألیف آیت‌الله منتظری (۱۴۳۱ق) درس‌ها و تحقیقات آیت‌الله حسینعلی منتظری (۱۳۰۱) درباره‌ی مباحث مربوط به حکومت و شؤون مختلف ولیّ فقیه به زبان عربی، در چهار جلد تدوین شده‌است. در این کتاب هدف آن بوده‌است تا ابعاد مختلف حکومت اسلامی، اختیارات ولیّ فقیه و اثبات ولایت او، کیفیت انتصاب یا انتخاب او تبیین شود و تکلیف جامعه‌ی اسلامی در عصر غیبت از لحاظ حکومت و رسیدگی به کلیّهی شؤون دنیوی و دینی مردم مسلمان در این عصر بر طبق اصول کلیّ شریعت اسلامی و منطبق با اصول دینی شیعه‌ی امامیه مشخص شود.

از جمله مباحث مهمّی که در جلد دوم این کتاب ذیل عنوان محدود اختیارات ولیّ فقیه و تشکیل قوه‌ی قضائیه مطرح شده مباحث مختلفی پیرامون قضاوت و قاضی و شرایط آن مطرح شده‌است. برخی از مباحث آن عبارت است از: جواز قضاوت بر اساس علم قاضی، شرطیّت اجتهاد در قضاوت، شرایط قاضی و صفات وی، آداب قضاوت و... می‌باشد. (منتظری، ۱۴۱۵ق، ۲: ۱۴۰)

#### ج. شرح مباحث فقه القضا با محوریت کتاب «تحریر الوسیله»

یکی از اقدامات قابل توجه در دوره‌ی دوم با محوریت کتاب «تحریر الوسیله» مرحوم امام خمینی (ره) این بود که برخی از فقها همچون آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله مؤمن کتاب القضا به شرح و تبیین و تحشیه‌ی کتاب مزبور پرداختند. همان‌طور که گذشت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قضّات دادگستری برای



رفع خلاً قانونی از «تحریرالوسیله» به‌عنوان متمم قانون استفاده می‌کردند که با قانونی شدن استفاده از آرای مشهور فقها (اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و توسعه‌ی نطاق مرجعیت امام خمینی و انطباق اکثر آرای او با آرای مشهور فقها، این کتاب در دادگاه‌ها و محافل علمی مورد توجه و مراجعه‌ی بیشتر قرار گرفت. از این رو، برخی از شاگردان مرحوم امام همچون آیت‌الله فاضل و آیت‌الله مؤمن اقدام به شرح کتاب مزبور کردند و بر عمق و غنای کتاب «تحریر» افزودند. کتاب مرحوم فاضل «تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله» و کتاب مرحوم مؤمن «مبانی تحریرالوسیله» است که هر دو به شرح فروع و اطراف در کتاب «تحریر» پرداخته‌اند. مرحوم مؤمن در مقدمه‌ی کتاب در رابطه با انتخاب «تحریرالوسیله» چنین می‌نویسد: «إنّ من أحسن الكتب الفقهيّة التي ألفت أخيراً هو كتاب تحریرالوسیله الذي ألفه السيّد الأستاذ الإمام الفقيه آية الله العظمى الحاج السيّد روح الله الخميني تغمّده الله برحمته و رضوانه فإنه كتاب شريف حاوٍ لجميع الأبواب و الكتب الفقهيّة؛ من الطهارة إلى آخر الدّيّات، بل و هو حاوٍ لمسائل جديدة مستحدّثة، فتح بها باب ورود الفقيه في هذه المسائل المستحدّثة» (مؤمن قمی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۹)

#### د. توسعه و ترویج نگارش مقالات در مجلات معتبر و رونق تک‌نگاری‌های کوتاه با رویکرد حل مسئله

یکی از عرصه‌های مهمی که در دوره‌ی دوم از بررسی تحولات فقه‌القضا نباید مغفول واقع شود، توجه اساتید و فقها از رویکرد حل مسئله و نگارش مقالات و تک‌نگاری‌های کوتاه در قالب مقاله در مجلات معتبر در این دوره است. مجلاتی که هرکدام در طول سالیان متمادی زیر نظر مراجع تقلید یا فقهای طراز اقدام به نشر و ترویج آموزه‌های فقهی و دینی می‌نمودند. در ادامه برخی از اهمّ مقالات پیرامون فقه‌القضا در این دوره از نظر می‌گذرد:

۱. تحقیقی درباره‌ی «لوث و قسامه و قضاوت زن و نظر مقدّس اردبیلی (ره)»

نوشته‌ی آیت‌الله محمدحسین مرعشی؛ (مجله‌ی فقه اهل بیت (ع)، بی‌تا، ج ۶ و ۵: ۱۵۷)



۲. «علم قاضی» نوشته‌ی آیت‌الله سیّد محمود هاشمی شاهرودی؛ (همان، ۸: ۱۵)
۳. «شایستگی زنان برای عهده‌دارشدن قضاوت» نوشته‌ی آیت‌الله محمّد محمّدی گیلانی؛ (همان، ۱۰: ۸۹)
۴. «قاضی تحکیم» نوشته‌ی محمّدسعید قماش؛ (همان، ۲۳: ۷۷)
۵. «حجّیت علم قاضی» نوشته‌ی آیت‌الله محمّد مؤمن قمی؛ (همان، ۳۰: ۳)
۶. «امام علی (ع) و اصول قضاوت» نوشته‌ی سیّد محمود هاشمی شاهرودی؛ (همان، ۳۳: ۳)
۷. «آداب قضاوت» نوشته‌ی محمّد یزدی؛ (همان، ۴۰-۳۹: ۵۶)
۸. «نکاتی در فقه القضا» نوشته‌ی محمّد یزدی. (همان، ۴۲: ۱۰۱)

### هـ. تصحیح و تجدید چاپ تراث فقهی پیرامون فقه القضا

یکی از فعالیت‌های مهم در این دوره تصحیح و تجدید چاپ بسیاری از کتب فقهی سابق بود که پیرامون فقه القضا نوشته بودند. کتبی که مملو از نکات بدیع و نغز فقهی پیرامون فقه القضا بود و نویسندگان آن، فقیهان به نام و مسلط به مباحث قضا بودند. در این میان می‌توان به دو نمونه اشاره نمود:

#### ۱. تصحیح و تجدید چاپ «کتاب القضا» مآلعی کنی (۱۲۲۰-۱۳۰۶ق)

این کتاب از آثار گران‌سنگی است که در موضوع قضا به زبان عربی نگاشته شده است و توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۶ تصحیح و تجدید چاپ شد. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی کتاب مزبور را چنین وصف می‌کند: «این کتاب بنا بر تمام اقوال کسانی که آنها را درک کرده‌ایم، از جواهر دقیق‌تر و استوارتر است». این اثر از دیدگاه صاحب‌نظران یکی از بهترین متون فقهی در موضوع قضاوت و قضا است و مؤلف این کتاب از رجال فقهی و علمی و تحصیل‌کرده‌ی حوزه‌ی علمیّه‌ی نجف و از شاگردان برجسته‌ی فقیه بزرگ، صاحب جواهر است که پس از برگشتن به تهران از جایگاه ممتاز و مرجعیّت علمی، سیاسی و اجتماعی در زمان حکومت قاجار برخوردار بود.

#### ۲. تصحیح و چاپ مجدد «انوار الفقاهه» (کتاب القضا) تألیف حسن کاشف‌الغمامتوفی ۱۳۶۲ق



این کتاب ۱۴ آبان ۱۳۹۴ در سالن همایش‌های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم رونمایی شد. تصحیح کتاب به درخواست آیت‌الله زنجانی آغاز شده بود. شیخ حسن کاشف‌الغطا در تألیف این کتاب و نیز در ترتیب ابواب فقهی بسیار متأثر از آثار شهیدین به‌خصوص آثار شهید اول عمل کرده‌است؛ کتاب شامل اکثر ابواب فقهی است که پس از تحقیق کامل در ۱۰ جلد به چاپ رسیده‌است.

اهمّ مباحث آن عبارت است از: معنای قضا، تداعی با حاکم، شاهد و یمین، قسمت، احکام مدّعی و منکر، دعاوی املاک، دعاوی عقود. (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲: ۳) از آنچه گذشت معلوم شد که تحولات سیاسی و فرهنگی موجب ایجاد نگاه جدید بدنه‌ی حوزه به رابطه‌ی حوزه و حکومت شد؛ به گونه‌ای که در گذشته و قبل از انقلاب، حکم ارتباط با حکومت و کار برای تقویت دولت، مذموم و حرام شمرده می‌شد. حال آن‌که تغییر این حکم به حلیّت و بلکه وجوب در دولت اسلامی به دلیل تغییر موضوع است. چراکه حکومت ظلم به دولت اسلامی تبدیل شده بود. بر همین اساس، بسیاری از طلاب و مراجع تقلید و اساتید حوزه‌ی علمیّه‌ی قم اقدام به برگزاری دروس مختلف فقه‌القضا و توسعه‌ی ادبیّات فقهی مرتبط با فقه‌القضا در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم و همچنین تکثیر مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط با امر قضاوت کردند.

از دیگر ویژگی‌های مهمّ این دوران، تعارض‌ها و چالش‌های مختلف در حوزه‌ی قضا با مبانی فقهی بود. چه این‌که با پیروزی انقلاب و ورود رسمی قانون و فقه به تقنین و قضاوت از یک‌سو و همچنین ارتباطات مختلف نظام‌های حقوقی و فقهی سایر ادیان و کشورها از سوی دیگر، پیشرفت علوم و تکنولوژی‌های جدید از سوی دیگر و توسعه‌ی مباحث تطبیقی بین فقه و حقوق و غلبه‌ی آموزه‌های نظام‌های غربی در شیوه‌ی دادرسی در نظام دادرسی ایران و... موجب ایجاد چالش‌های مختلفی در عرصه‌ی قضاوت و دادرسی شد. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- قضاوت زن در اسلام؛
- فهم عرفی و قضاوت؛
- دادگاه‌های اختصاصی و تخصصی؛



- بررسی قضاوت‌های شورایی؛
- اطلاع‌ی دادرسی و راه‌حل‌های برون از آن؛
- دومرحله‌ای بودن یا تک‌مرحله‌ای بودن قضاوت در محاکم؛
- آسیب‌شناسی محاکم قضایی؛
- بررسی قضاوت براساس یافته‌های علمی روز؛
- مسئولیت مدنی ناشی از حکم اشتباه قاضی؛
- شخصیت قاضی و نقش آن در رسیدگی کیفری در دادگاه؛
- حدود اختیارات قاضی مأذون در فقه و حقوق ایران؛
- بررسی فقهی و حقوقی اعتبار و آثار اقرار در خارج از دادگاه؛
- مفهوم استقلال و بی‌طرفی قاضی کیفری در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی؛
- بررسی مشروعیت رویه‌ی قضایی؛
- بی‌اعتباری معاملات عادی، دادگاه خانواده، شفافیت نظامات قضایی؛
- فتوای معیار در قضاوت و تقنین.

چنانچه گذشت شروع این مرحله در دوران پس از انقلاب اسلامی و به‌خصوص در دو دهه‌ی گذشته بوده‌است؛ چه این‌که بعد از انقلاب و نیاز جامعه‌ی اسلامی به تقنین براساس شریعت در رتبه‌ی اول و همچنین لزوم تشکیل دادگاه‌های شرعی از رتبه‌ی دوم به اقتضای فرمان هشت ماده‌ای مرحوم امام (ره) این ضرورت را ایجاد کرد که حوزه به‌سمت تهیّه‌ی پاسخ‌های متقن و علمی متناسب با مبانی اصیل فقهی حرکت نماید.

از دیگر خطوط اصلی مباحث فقه القضا در این دوره، رشد بسیار زیاد پژوهش‌های تطبیق بین فقه و حقوق بود. این نوع از پژوهش‌ها به اقتضای ارتباط نظام حقوقی اسلام با سایر نظام‌های حقوقی معاصر در سایر کشورها و همچنین تطبیق مباحث فقهی با حقوقی با توجه به نوع نظام حقوقی حاکم بر ایران بود.

### ۳. دوره‌ی سوّم: ظهور فقه القضا به‌منابه یک رشته‌ی تخصصی

همان‌طور که در تبیین دوره‌ی دوم گذشت وجود عواملی همچون تنوع و پیچیدگی



مسائل جدید در حوزه‌ی دادرسی از یک‌سو، ورود رسمی فقه در حوزه‌ی قضاوت و تقنین از سوی دیگر، گسترش روابط و ارتباطات نزدیک بین نظام‌های حقوقی و قضایی کشورها از سوی دیگر، موجب شد تا تلاش‌های علمی حوزه‌ی علمیّه در حوزه‌ی قضا در قالب دروس خارج، تک‌نگاری‌هایی در قالب کتاب‌القضا و مقالات و... رشد چشمگیری داشته باشد. به‌خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم تربیت قضّات شرعی آشنا به فقه جواهری باعث شد تا از همان سنوات اول پیروزی انقلاب، حوزه به‌صورت جدّی‌تر به برنامه‌ریزی در مباحث فقه‌القضا و تربیت قضّات تراز انقلاب اسلامی اقدام نماید.

بررسی مجموعه فعالیت‌های حوزه‌ی علمیّه در رابطه با فقه‌القضا نشان می‌دهد که حوزه با درک ضرورت، به توسعه‌ی مباحث قضا و لزوم تطبیق آن با مسائل روز و تربیت قضّات، به تأسیس رشته‌ی تخصصی «فقه‌القضا» اقدام نموده‌است.

به دیگر سخن، از اواسط دهه‌ی هفتاد شمسی همزمان با رشد فقه‌های مضاف در حوزه‌ی علمیّه و ترویج نگاه‌های تخصصی به موضوعات جدید از منظر فقهی، فقه‌القضا نیز به‌مثابه یکی از مصادیق فقه‌های مضاف مورد توجه مراکز آموزشی حوزوی قرار گرفت و در قالب دوره‌های مختلف آموزشی با سرفصل‌های مشخص و سطوح مختلف درسی اعمّ از سطح دو و سه و چهار به جذب طلاب مستعد با هدف تربیت قاضی تراز در چهارچوب فقه جواهری اقدام نمود.

در این رویکرد، صرف تبیین مسائل کتاب‌القضا به‌عنوان فروعات فقهی مدنظر نبوده‌است؛ بلکه در رویکرد سوّم کانون مرکزی تلاش علمی مراکز تخصصی، بررسی مسائل قضا به‌عنوان یک نظام و سازمان منسجم و به تعبیری فقه قوه‌ی قضائیه به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه‌ی حاکمیت می‌باشد. در این رویکرد، مراکز مختلف پژوهشی و آموزشی با نگاه فقه تخصصی یا فقه مضاف به‌مثابه یکی از مصادیق فقه نظام، مسائل بحث قضاوت را در کانون پژوهش و آموزش خود قرار می‌دهند.

در بیان اجمالی، فعالیت‌های این دوره را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم نمود:

۱. تأسیس توسعه و رونق مراکز آموزشی و پژوهشی با محوریت فقه‌القضا؛



۲. شکل‌گیری حلقه‌های دروس خارج فقه القضا با نظارت بر مباحث مستحدثه‌ی

فقه القضا.

### ۳-۱. تأسیس توسعه و رونق مراکز آموزشی و پژوهشی با محوریت فقه القضا

#### الف. تأسیس مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی در سال ۱۳۷۶<sup>۱</sup>

طرح راه‌اندازی مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی در سال ۱۳۷۶ با پیشنهاد آیت‌الله یزدی و آیت‌الله مقتدایی، با هدف تربیت قضّات مجتهد، به شورای عالی حوزه ارائه شد که با موافقت این شورا تأسیس گردید. اجتهاد و عالم‌بودن به مسائل فقهی یکی از شرایط اساسی در گزینش قاضی است تا افراد بتوانند در قوه‌ی قضائیه براساس مبانی حقوقی و فقهی قضاوت کنند. هدف اولیّه‌ی تأسیس این مرکز، تربیت قضّات ورزیده و عالم به دانش‌های فقهی و حقوقی بود تا بدین وسیله، حوزه خدمتی به قوه‌ی قضائیه داشته باشد و این افراد در مجامع علمی بتوانند کارهای فاخری داشته باشند؛ به طوری که برخی از این فارغ‌التحصیلانی که در قوه‌ی قضائیه جذب نمی‌شوند، در مراکز علمی، مسائل فقهی را منطبق با حقوق عرضه کنند.

از طرفی چون مراکز دانشگاهی بیشتر صبغهی حقوقی دارند و دانش فقهی آنها کم است، بنابراین هدف دیگر این مرکز، تربیت نیروی انسانی توانمند در عرصه‌ی قضا است تا در مراکز دانشگاهی بتوانند کارهای علمی انجام دهند و مبانی فقهی را با دانش‌های حقوقی‌ای که در دانشگاه وجود دارد، تطبیق و تبیین نمایند.

با توجه به این که سه مقطع تحصیلی، دانش‌ها و درس‌هایی که به دانش‌پژوهان سطوح گوناگون ارائه می‌شود، متفاوت است؛ اما به طور کلی دروس در این دوره، به دو بخش تخصصی حقوقی و فقهی تقسیم می‌شود. با توجه به این که رشته‌ی مورد تحصیل در اینجا رشته‌ی حقوق و قضای اسلامی است، این مرکز در سطح سه و چهار، دو گرایش «حقوق جزا و جرم‌شناسی» و «حقوق خصوصی» دارد و سطح دو عمومی است. این از امتیازات این مرکز نسبت به سایر مراکز هم‌رشته است، به طوری که در آن، هم دانش‌های حقوقی دانشگاهی و هم دانش‌های فقهی و مبانی فقه و

۱. <https://www.mfeqh.ir>



اصول فقه تدریس می‌شود.

درواقع با تحصیل در این مرکز، بین علوم حوزوی و علوم دانشگاهی در رشته‌های فقه و مبانی و رشته‌های حقوق، ارتباط برقرار می‌شود. درخصوص مدت تحصیل طلاب، سطح دو حدّ اقل ظرف شش ترم، یعنی سه سال دروس را به پایان می‌رسانند و در سطح سه حداکثر نه ترم، یعنی چهار سال و نیم طول می‌کشد؛ سطح چهار نیز به مقدار سطح سه زمان می‌برد؛ یعنی در مجموع، اگر طلبه‌ای بخواهد در مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی، تمامی مقاطع تحصیلی را بگذراند تا به مرحله‌ی سطح چهار برسد، باید حدود نه سال تحصیل کند و هم‌زمان باید علاوه بر کارهای تحقیقاتی‌ای که خواهد داشت، یک پایان‌نامه سطح سه و یک رساله‌ی دکترای نیز تدوین نماید.

#### ب. تأسیس مرکز آموزش‌های تخصصی فقه وابسته به مدرسه‌ی ولی‌عصر (عج)

مرکز آموزش‌های تخصصی فقه وابسته به مدرسه‌ی علمیه‌ی ولی‌عصر (عج) در سال ۱۳۹۱ به‌منظور تربیت طلاب فاضل در گرایش‌های فقه راه‌اندازی شده‌است و در اولین گام، دوره‌ی تخصصی فقه‌القضا را طرّاحی و اجرا نموده‌است. این مرکز طی انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری با معاونت منابع انسانی قوه‌ی قضائیه، شرایط جذب فارغ‌التحصیلان داوطلب به خدمت در دستگاه قضا را فراهم نمود. در مرکز فوق در سطح سه و چهار مباحث فقه‌القضا به‌صورت تخصصی ارائه می‌شود.

همچنین تصویب رشته‌ی تخصصی حقوق و قضای اسلامی در سال ۱۴۰۲ نیز از نتایج این مرکز می‌باشد.<sup>۱</sup> سطح دو حقوق و قضای اسلامی دوّمین مقطع از تحصیلات حوزوی و یکی از رشته‌های حوزه‌ی دانشی فقه، حقوق و قضای اسلامی می‌باشد که طلاب ضمن فراگیری فقه و اصول متعارف، با مهم‌ترین مفاهیم اصطلاحات، مبانی، مسائل، روش تحقیق و ساختار حقوق و قضای اسلامی آشنا می‌شوند و پس از احراز توان علمی با ارائه‌ی تحقیق پایانی، موقّق به دریافت مدرک سطح دو این رشته می‌شوند. همچنین برخی از اهداف تأسیس رشته‌ی فوق چنین



آمده است:

۱. شناخت استدلالی مسائل فقهی و اصولی و روش‌های استنباط فقهی؛
  ۲. آشنایی با مسائل حقوقی و قضایی (دادرسی) مبتنی بر منابع فقه؛
  ۳. آشنایی با متون و منابع مهم مرتبط با این رشته‌ی تخصصی و توان استفاده از آنها؛
  ۴. آشنایی با مکاتب و نظام‌های حقوقی؛
  ۵. تربیت نیروی انسانی آشنا به مباحث فقهی و حقوقی جهت تصدّی امور حقوقی و قضایی در نظام اسلامی؛
  ۶. آموزش مهارت‌های قضایی و مشاوره‌ی حقوقی؛
  ۷. ایجاد توان پاسخ‌گویی به پرسش‌های عمومی در حوزه‌ی حقوق و قضای اسلامی؛
  ۸. تقویت توان تحقیق در حدّ جمع‌آوری و جمع‌بندی مسائل فقهی و حقوقی؛
  ۹. تربیت طلاب مستعد جهت ورود به مدارج علمی بالاتر.
- در رشته‌ی تحصیلی فوق علاوه بر دروس عمومی حوزه اعمّ از فقه و اصول طلاب باید دروس تخصصی زیر را نیز ارائه دهند: فقه القضا، آشنایی با مباحث مهمّ فقهی در ارتباط با قضای اسلامی از قبیل: تعریف قضا و تمایز آن با افتا و اجتهاد، ولایت قضایی، ارتزاق قاضی، اقسام و اوصاف قاضی، دعوی و ارکان و ادلّه‌ی اثبات دعوی، نحوه‌ی رسیدگی به دعوی و نقض حکم قاضی.

### ج. مجتمع فقه، حقوق و قضای اسلامی

مجتمع مذکور در سال ۱۳۹۹ در ضمن اصلاح مراکز تخصصی حوزوی با هدف تربیت و تأمین منابع انسانی متخصص مورد نیاز حوزه و نظام در رشته‌های فقه، حقوق و قضای اسلامی، زیررشته‌ها و گرایش‌ها و دانش‌های بینارشته‌ای مرتبط؛ و انجام پژوهش‌های فقهی - حقوقی براساس اولویّت‌های مورد نظر حوزه و نظام تأسیس شد.<sup>۱</sup>

این مجتمع دو مجموعه‌ی آموزشی منظم به نام‌های مدرسه‌ی عالی قضاوت و

1-<https://www.mfeqh.ir>



مرکز تخصصی فقه و حقوق و یک مرکز آموزش‌های کاربردی دارد. آموزش‌های مدرسه‌ی عالی قضاوت کاربردی و ناظر به تربیت نیروی انسانی برای تصدی امر قضاوت و شغل‌های مرتبط است. همچنین مرکز تخصصی فقه و حقوق با هدف تربیت متخصصان حوزوی، در رشته‌ها و گرایش‌های فقه و حقوق و ایجاد زمینه‌ی مناسب برای توسعه‌ی این دانش و تأمین منابع انسانی شایسته برای تدریس و پژوهش و تعمیق آموزه‌های فقهی و حقوقی طلاب جهت تقویت توان به‌کارگیری تراث فقهای حوزه‌های علمی در راستای حل مسائل فقهی - حقوقی و پاسخگویی به نیازهای روزآمد فعالیت می‌کند.

#### د. مدرسه‌ی عالی فقه و علوم اسلامی<sup>۱</sup>

یکی از مراکزی که رشته‌ی فقه‌القضا را به‌عنوان یکی از رشته‌های تخصصی در سطح چهار حوزه ارائه می‌کند، مدرسه‌ی عالی فقه و علوم اسلامی است. در مدرسه‌ی عالی فقه و علوم اسلامی در بحث فقه‌های تخصصی سطح چهار فقه‌القضا نیز تأسیس شده‌است. در این دوره، مجموعه‌های از دروس فقهی تخصصی مرتبط با کتاب قضا و شهادت، دروس حوزه‌ی آیین دادرسی مدنی و کیفری و سایر دروس مرتبط مورد نیاز را در قالب فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی ارائه می‌کند. یکی از دروس قابل توجه در مرکز فوق قواعد فقهی مرتبط با فقه‌القضا همچون: قاعده‌ی لاضرر، قاعده‌ی لاجرح، قاعده‌ی اتلاف، قاعده‌ی ید، قاعده‌ی ضمان، قاعده‌ی من ملک، قاعده‌ی مصلحت، قاعده‌ی عدالت، قاعده‌ی صحت، قاعده‌ی درأ، قاعده‌ی اقرار، قاعده‌ی اکراه، قاعده‌ی اضطرار، قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان، قاعده‌ی تعزیر، قاعده‌ی وزر و قاعده‌ی تسلیط است. از دیگر دروس ارائه‌شده در مرکز فوق مسائل و موضوعات نوپدید در عرصه‌ی مسائل و مباحث قضائی است.

#### ۲-۳. شکل‌گیری حلقه‌های دروس خارج فقه‌القضا با نظارت بر مباحث مستحدثه‌ی فقه‌القضا

امروزه علاوه بر مراکز تخصصی فوق که فقه‌القضا را به‌عنوان یک رشته‌ی علمی



و تخصصی در برنامه‌ی آموزشی و پژوهشی خود تعریف کرده‌اند، در سال‌های اخیر در قم دروس خارج مختلفی با سبک‌های متفاوت دایر شده‌اند که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

۱. درس خارج قضای آیت‌الله جوادی آملی: درس خارج قضای ایشان از سال ۱۴۰۲ شروع شده‌است و هنوز ادامه دارد.
۲. درس خارج قضا و شهادت آیت‌الله قائینی: این درس از سال ۱۳۹۸ شروع شده‌است و تا سال ۱۴۰۲ ادامه داشت.
۳. درس خارج قضای آیت‌الله علیدوست: این درس از سال ۱۳۹۷ شروع شده‌است و تا پنج سال ادامه داشت.
۴. درس خارج قضای آیت‌الله رشاد: درس خارج ایشان از سال ۱۳۹۷ شروع شده‌است و هنوز ادامه دارد.
۵. درس خارج قضای آیت‌الله حبیبی تبار: درس ایشان از سال ۱۳۹۸ شروع شده‌است و هنوز هم ادامه دارد.
۶. درس خارج قضای آیت‌الله لاریجانی: درس ایشان از سال ۱۳۸۷ شروع شده‌است و تا قبل از ریاست ایشان بر قوه ادامه داشت.

## تحلیل

همان‌طور که بیان شد، در مرحله‌ی سوّم روند روبه‌رشد تلاش‌های علمی با محوریت فقه القضا از توجه به فروع و مسائل مهم در کتاب القضا آغاز شد و با التفات به چالش‌های مختلف در عرصه‌ی قضا و تبیین مبانی فقهی و ارائه‌ی پاسخ‌های متناسب با آن در دوره‌ی دوّم، ادامه پیدا کرد و در دوره‌ی سوّم اهتمام حوزه‌ی علمیه به ارائه‌ی فقه القضا به مثابه یک رشته‌ی تخصصی در حوزه‌ی قضا باعث گردید تا این رشته امروزه مورد مطالعه‌ی طّلاب محترم قرار گیرد.

خطوط اصلی حرکت مذکور عبارت است از:

۱. توجه به لزوم تربیت نیروی انسانی در عرصه‌ی قضا متناسب با شرایط روز؛
۲. توجه به مسائل و موضوعات موجود در حوزه‌ی قضا به‌عنوان یک سیستم و



نظام؛

۳. توجه به نظام‌های حقوقی سایر کشورها و مذاهب اسلامی و غیراسلامی در تکمیل و تدقیق نظام حقوقی ایران؛
۴. توجه به چالش‌ها و موضوعات مستحدثه‌ی معاصر در حوزه‌ی قضا و ترویج پژوهش در رابطه با آن؛
۵. افزایش برگزاری دروس خارج قضا و توجه به موضوعات مطرح‌شده در دروس متناسب با چالش‌های مطرح در محاکم؛
۶. یکی از خطوط اصلی که در دوره‌ی سوم به اوج خود رسید گذر از فقه فردی به فقه اجتماعی و از فقه فرع‌محور به فقهی که نگاه نظام‌وار به بحث قضا دارد. در این دوره نگاه به بعد اجتماعی فقه در کنار بعد فردی آن و نگاه نظام‌وار به آن منجر به شکل‌گیری فهم جدیدی از فقه به‌خصوص در عرصه‌ی فقه‌القضا شد و در سایه‌ی آن، تحولات مهمی در حوزه‌ی استنباط به‌خصوص در حوزه‌ی مباحث قضا محقق گشت.

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، به این نتیجه رسیدیم که:

۱. فقه‌القضا به‌عنوان یکی از ابواب مهم و چالشی در طول تاریخ فقهات از زمان غیبت کبری تا زمان معاصر در کانون توجه فقهای امامیه و حوزه‌های علمیه در جهان اسلام بوده‌است. این اهتمام در حوزه‌ی علمیه‌ی مقدّس قم از زمان تأسیس آن توسط حاج شیخ عبدالکریم یزدی تا پیروزی انقلاب و بعد از آن تا زمان معاصر دچار فراز و فرودهای مختلفی می‌باشد.
۲. در تحلیل تحولات و تطوّرات اتفاقات و فراز و فرودهای فقه‌القضا در حوزه‌ی علمیه‌ی قم معیارهای مختلفی همچون نوع فعالیت‌های علمی اعم از تشکیل دروس خارج فقه‌القضا؛ تألیف کتب فتوایی و استدلالی، ترویج تک‌نگاری‌های فقهی با رویکرد حل مسئله و شب‌هات مرتبط با قضا در قالب مقاله، تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط با قضا در حوزه‌ی علمیه وجود دارد.



۳. پیروزی انقلاب اسلامی نقطه‌ی عطفی در رونق و ترویج دروس خارج فقه القضا و ادبیّات فقهی مرتبط با قضا شد؛ چه این‌که با پیروزی شکوهمند انقلاب و ورود رسمی فقه به عرصه‌ی تقنین و قضا، تغییر قوانین و سیستم قضایی موجب آشکارشدن خلأهای فتوایی و قانونی در عرضه‌ی سیستم دادرسی و قضاوت شد. این در حالی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود فقهای بزرگی همچون سید محمدحجّت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، میرزاهاشم آملی و... اثری از ایشان درباره‌ی فقه القضا ثبت نشده‌است.

به‌طور کلی و با توجّه به معیارهای فوق‌الذکر به سه دوره‌ی اصلی در بررسی تحولات فقه القضا در حوزه‌ی علمیّه می‌توان اشاره نمود: الف. استمرار مدرسه‌ی شیخ انصاری و شاگردان وی در قالب کتب فتوایی و استدلالی؛ ب. رونق فقه القضا در ابعاد مختلف اعمّ از آموزش و تألیف و اهتمام به مباحث مستحدثه؛ ج. دوران بلوغ و کمال و عبور از فقه القضا به فقه قوّه‌ی قضائیه.



## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۵ق)، کتاب القضاء، ج ۱، تهران: انتشارات زهیر.
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، القضاء و الشهادات، تهران: کنگره‌ی جهانی شیخ انصاری.
۴. اسماعیل پور قمشه‌ای، محمدعلی (۱۴۲۱ق)، البراهین الواضحات، قم: بی‌نا.
۵. تبریزی، جواد (بی‌تا)، اسس القضاء و الشهاده، قم: دفتر مؤلف.
۶. حائری، سید کاظم (۱۳۸۱)، القضاء فی الفقه الاسلامی، قم: مجمع‌الفکر الاسلامی.
۷. جمعی از مؤلفان، (بی‌تا)، مجله‌ی فقه اهل بیت (ع)، تهران: مؤسسه‌ی دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۸. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، تهران: مکتبة‌الصّدوق.
۹. خمینی (امام)، روح‌الله (بی‌تا)، تحریرالوسيله، ج ۲، تهران: دارالعلم.
۱۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۸ق)، نظام القضاء و الشهادة، قم: مؤسسه‌ی امام صادق (ع).
۱۱. شهید اول، محمدبن مکی عاملی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. شهید ثانی، زین‌الدین عاملی (۱۴۱۳ق)، مسالک‌الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۳، قم: مؤسسه‌ی معارف اسلامی.
۱۳. شفیع‌ی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: کتاب طه (وابسته به مؤسسه‌ی فرهنگی طه).
۱۴. فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۴۲۹ق)، تفصیل الشریعه، قم: مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار (ع).
۱۵. کاشف‌الغطاء، حسن (۱۴۲۲ق)، انوارالفقاهه (کتاب القضاء)، قم: مؤسسه‌ی کاشف‌الغطاء.
۱۶. گلبایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق)، کتاب القضاء، قم: دارالقرآن الکریم.
۱۷. مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۲ق)، مبانی تحریرالوسيله، قم: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳ق)، فقه القضاء، قم: جامعه‌المفید.
۱۹. معرفت، محمدهادی (بی‌تا)، تعلیق و تحقیق امهات مسائل القضاء، قم: چاپخانه مهر.
۲۰. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، دراسات فی ولایة‌الفقیه، ج ۲، قم: نشر تفکر.
۲۱. نجفی (محقق)، (۱۴۰۴ق)، جواهرالکلام، ج ۴، ۷، تهران: دارالاحیاء لثراث العربی.

## سایت‌های اینترنتی

۱. - <https://www.tebyan.net>
۲. - [/https://www.mfeqh.ir](https://www.mfeqh.ir)
۳. - <http://www.schowzeh.ir>
۴. - <https://www.mfeqh.ir>
۵. - <https://mfos.ir>
۶. - [/http://eshia.ir/Feqh/Archive/Subject/arafi](http://eshia.ir/Feqh/Archive/Subject/arafi)